

دلار جهانگیری آفت خودکفایی گندم

صفحه ۸ را بخوانید



فرهختگان

www.fdn.ir | Wed | 29 Apr 2020 | vol.10 | No. 3026 | 16 Pages



چرا چند چهره را دیکال اصلاح طلب بعد از موفقیت بزرگ پرتاب ماهواره نور به فضا موضع منفعلانه آمریکایی‌ها را تقویت کردند

جهش ویروس کاسبان ترس

۲، ۷

گزارش «فرهختگان» از رشد مخاطب و فروش نرم‌افزارهای کتابخوان در ایام کرونا

بازار داغ قصه‌های درگوشی



۱۳

یادنامه مرحوم حجت الاسام صالحی معاون فرهنگی-سیاسی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها به مناسبت چهلمین روز عروجش

معلم دین و زندگی

۵، ۴



به بهانه روز کارگر، مهم‌ترین پرونده‌های ورود جنبش دانشجویی به بحران‌های کارگران را بررسی کردیم

نان، کار و دانشجوی مسلمان

۱۶

یادداشت - ۲

چند نکته درباره مدرک تحصیلی منتخب تفرش

طبق قانون انتخابات، تمامی داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی هنگام ثبت‌نام باید دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن باشند. مدرک تحصیلی ای که از سوی سینا کمالخوانی هنگام ثبت‌نام نمایندگی مجلس به فرمانداری تفرش ارائه شد، مدرکی کاملاً معتبر، دارای هولوگرام و امضای معتبر از سوی وزارت علوم بوده و حتی هنگام اسکن هولوگرام کپی مدرک، نرم‌افزار اصل بودن مدرک را تایید کرده است. وقتی فردی برای انتخابات ثبت‌نام می‌کند، احراز اسناد اولیه در آغاز برعهده هیات‌های اجرایی فرمانداری‌ها و وزارت کشور است. اسناد رسمی به جهت قانونی بودن، خودبه‌خود دارای اعتبار هستند و چنانچه اصالت مدارکی مانند گواهی تحصیلی و مدارک سجلی مورد خدشه قرار نگرفته باشد، اصل بر صحت آنها قرار خواهد گرفت و تا زمانی که گزارش خلافی به دست‌شورای نگهبان نرسد، سوالی مطرح نخواهد شد. اگر گزارش خلافی نسبت به اسناد به‌وجود بیاید، شورای نگهبان از سازمان ثبت اسناد و وزارت علوم استعلام می‌گیرد و آنگاه نظر کارشناسی مراجع مزبور درباره اسناد رسمی ملاک خواهد بود. درخصوص مدرک تحصیلی نیز نظر وزارت علوم برای شورای نگهبان حجت است. اما قانون انتخابات نیز برای احراز صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس، هیات اجرایی و هیات نظارت را مکلف به استعلام از چهار مرجع کرده است. چهار مرجعی که مکلفند درخصوص سوابق داوطلبان به وزارت کشور و شورای نگهبان پاسخگو باشند، عبارتند از: وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل.

سیدحامد حسینی

روزنامه نگار

به‌رغم اینکه طبق بند ۵ ماده ۲۸ قانون انتخابات، تمامی داوطلبان هنگام ثبت‌نام باید دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن باشند، اما وزارت علوم به‌عنوان یک منبع معتبر برای تشخیص صحت یا عدم صحت مدارک تحصیلی داوطلبان در شمار مراجع استعلام صلاحیت داوطلبان قرار ندارد و درحقیقت با یک خلأ قانونی در زمینه بررسی صحت مدرک تحصیلی داوطلبان مواجهیم که باید به‌سرعت اصلاح شود و وزارت علوم و حوزه‌های علمیه نیز در شمار مراجع استعلامی وزارت کشور و شورای نگهبان قرار گیرند و مکلف به اعلام نظر درخصوص اعتبار مدرک تحصیلی ارائه‌شده از سوی داوطلبان باشند. همچنین براساس قانون انتخابات، وظیفه بررسی صلاحیت داوطلبان برعهده هیات‌های اجرایی وزارت کشور است و شورای نگهبان نیز باید بر انجام صحیح این وظیفه نظارت کند. وزارت کشور در بررسی صلاحیت داوطلبان اصل را بر صلاحیت داوطلب و صحت ادعاهای او و اعتبار مدارک ارائه‌شده از سوی وی می‌گذارد. بارها مقامات دولتی عنوان کرده‌اند باید نسبت به داوطلبان نمایندگی مجلس اصل برائت جاری شود؛ حتی رئیس جمهور، رئیس دفتر رئیس‌جمهور و برخی نمایندگان مجلس همچون علی مطهری نیز این روش را صحیح دانسته و به شورای نگهبان از جهت احراز شرایط داوطلبان و سنجش اعتبار ادعاهای آنان ایراد وارد کرده‌اند. نتیجه چنین بررسی ساده‌انگارانه‌ای از سوی وزارت کشور تایید صلاحیت ۹۰ درصدی داوطلبان بود؛ اتفاقی که با نظارت دقیق‌تر شورای نگهبان تا حد زیادی اصلاح شد و شرایط نمایندگی مجلس در ۴۰ درصد داوطلبان از سوی شورای نگهبان تایید نشد. با این حال به‌نظر می‌رسد اختلاف روش وزارت کشور با شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها در مشاهده چنین پدیده‌ای مؤثر بوده است و چنانچه اصل بر صحت ادعاهای داوطلبان و مدارک آنان گذاشته شود، شاهد تکرار موارد مشابه نیز خواهیم بود. از طرف دیگر در ابتدای انتشار خبر مربوط به منتخب تفرش، برخی رسانه‌ها اعلام کردند مدرک وی جعلی است. کمی بعد نیز نامه «موسسه آموزشی عالی تفتان» منتشر شد که طبق آن ادعای شد مدرک سینا کمالخوانی جعلی است، اما سخنگوی شورای نگهبان در مصاحبه خود اعلام کرد بنابر اعلام وزارت علوم «مدرک منتخب تفرش در مقطع کارشناسی ارشد در موسسه بین‌المللی که اسمش را برده‌اند، فاقد مجوز از شورای گسترش آموزش عالی است و مدرک نام‌برده مورد تایید این دفتر نمی‌باشد.» اکنون دیگر مساله جعلی بودن مدرک منتخب تفرش مطرح نیست، بلکه وزارت علوم صرفاً مدرک تحصیلی کمالخوانی را معتبر ندانسته، زیرا موسسه بین‌المللی مذکور، فاقد مجوز شورای گسترش آموزش عالی است.

آنچه در این موضوع اتفاق افتاده، چیزی شبیه به فعالیت موسسه‌های مالی-اعتباری بدون مجوز بانک مرکزی است که در سراسر کشور دارای شعبه و تابلو بودند و به‌راحتی میلیاردها تومان سرمایه مردم را جذب کردند، بدون آنکه از بانک مرکزی مجوز فعالیت داشته باشند. اکنون این سوال مطرح است که چطور یک موسسه آموزشی و دانشگاهی می‌تواند در داخل کشور به‌طور رسمی و آشکار و بدون مجوز فعالیت کند، آموزش دهد و مدرک صادر کند، ولی در عین حال مدرک صادره آن اعتبار نداشته باشد؟! چرا دستگاه‌های دولتی و اجرایی نظارت کافی بر فعالیت‌های مرتبط با مأموریت‌های خود ندارند؟ چرا وزارت علوم بر موسسات آموزشی و دانشگاهی در کشور نظارت دقیقی اعمال نمی‌کند و چرا باید شاهد فعالیت موسسات آموزشی بدون مجوز در کشور باشیم؟

طبق قانون و رویه حقوقی، شورای نگهبان تا زمان تایید اعتبارنامه‌ها وقت دارد در صورت محرز شدن جعل مدارک، انتخابات را ابطال و از حق الناس دفاع کند.

کرونا؛ لحظه مواجهه تمدنی

موقعیتی برای بداهت‌زدایی از مبانی ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری

نیز به تأمل پرداخته و درون خود را مورد بازبینی قرار دهد؟ مسلمانان سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و نرمی که در این ایام اتخاذ شده است هیچ تناسب و هم‌راستایی با تحقق غایت ابتلای الهی نداشته است. نعتیها کمکی به ایجاد چنین درکی در انسان نکرده است، بلکه برعکس صرفاً به دنبال این بوده‌اند تا با زدن روی دور تند و با سرگرم کردن انسان از این ابتلا عبور کنیم. درحقیقت از همان ابتدا هدف خود را سربلند بیرون آمدن از ابتلا قرار نداده‌اند، بلکه صرفاً به‌انتهای رساندن و خارج شدن از ابتلا را دنبال کرده‌اند. غافل از اینکه در موقعیت ابتلا، افراد یا سربلند بیرون آمده و رشد می‌کنند یا آنکه در ابتلا سقوط می‌کنند و پس از آن دچار عواقب منفی آن خواهند بود. ابتلا حالت بینابین ندارد. و در این موقعیت ما چندان به‌دنبال به‌انجام رساندن سرفرازانه ابتلا در سیاست‌گذاری‌های خود نبوده‌ایم. اما در این میان نقشی که روحانیت می‌توانست برای تحقق غایت ابتلا ایفا کند و چندان به آن پایبند نبود نیز جای تعجب دارد. ابتلا محلی است که روحانیت لازم است از جهت روحانی بودن خود وارد میدان شده و مردم را در خروج سرفرازانه از ابتلا هدایت کند. البته این نکته نافی زحماتی که طلاب در خدمت‌رسانی و پرستاری متحمل شدند نیست، ولی واقعیت آن است که این فعالیت‌ها توانمندی دین در موقعیت‌های خطیر را آشکار نمی‌کند، چراکه آن طلبه کمکی از جهت روحانی بودن خود نمی‌تواند به جامعه کند. حتی در جایگاه تبیین موقعیت پدیدآمده نیز نمی‌توان نمره قابل توجهی به روحانیت داد؛ این در صورتی است که این کار ابتدایی‌ترین و حداقلی‌ترین وظیفه ذاتی آن است. بالطبع در کمک‌به جامعه برای ارتقا و رشد آن نیز به‌طریق اولی کمک چندانی نتوانستند داشته باشند. خطر درک انفعال دین در موقعیت‌های حساس امری است که باید به‌شدت نگران آن بود. مسلمانان موقعیت‌هایی این‌چنینی که قابلیت تبدیل شدن روحانیت به گروه مرجع مرجع در میان جامعه را دارد، اگر استفاده نشوند به‌راحتی تبدیل به ضد خود شده و تصویری ناکارآمد و منفعل را از دین در اذهان مخاطب می‌کنند.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که با توجه به اینکه به‌نظر می‌رسد غایت این ابتلای الهی چندان محقق نشده است، لذا باید منتظر ابتلاات دیگری بود که برای رشد ما ضروری بوده و ما را برای درک جامعه مهدوی آماده می‌کنند. تصور زمانی از عصر مهدوی داشتن، به این معنا که هر لحظه از جهت زمانی به جامعه مهدوی نزدیک می‌شویم از خطرراتی است که باید از آن برحذر بود. جامعه مهدوی و مقتضای ظهور همواره محیط بر ما است. تنها کافی است ما (جامعه دینی) رشد کرده و خود را وارد آن کنیم. و این امر محقق نمی‌شود جز با درک حقیقت ابتلاات الهی، که همان درک فقر و احتیاج ذاتی ما است. اگر این امر محقق شد، یعنی ظهور تحقق یافته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کانت، امانوئل (۱۳۸۶)، روشن‌نگری چیست؟ نظریه‌ها و تعریف‌ها، سیروس آرون پور، تهران: نشر آگه، ص ۳۱.
۲. محمدحسین، طباطبایی (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۸، ص ۲۹.

یادداشت - ۱

اسحاق سلطانی

پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

از زمانی که رنسانس در مغرب‌زمین شروع به طلوع کرد، با قطع کردن رابطه زمین و آسمان به‌اراده‌آل‌ها و ارزش‌های خود را شکل داده و در بستر تجربه انسانی آن را متعین می‌کند. طرح شدن اموری مانند تساهل و آزادی از قبیل ارزش‌هایی است که در این دوران به‌آرامی طرح شده و رفته‌رفته تبدیل به اولویت‌دارترین ارزش‌های انسانی می‌شوند. در این میان آن ارزش اساسی که منشأ و مصدر سایر ارزش‌های این ایدئولوژی است، درک انسان به‌مثابه موجودی مستقل است که بر هستی سلطه دارد. چنین تصویری از انسان، که از ابتدای رنسانس به‌واسطه اکتشافات و رشد صنعتی آغاز شد، در عصر روشنگری به اوج خودش می‌رسد. در این زمان است که انسان حس می‌کند با تکیه به عقل و توان خود می‌تواند بر سراسر هستی سلطه یابد. چنین درکی از انسان را به‌وضوح می‌توان در پاسخی که فیلسوف شهیر آلمانی، امانوئل کانت، به چه‌جستی روشنگری ارائه می‌دهد دریافت؛ وی این عصر را این‌گونه تعریف می‌کند:

«روشنگری، خروج آدمی است از نابالگی به تقصیر خویشتن خود. و نابالگی، ناتوانی در به‌کار گرفتن فهم خویش است بدون هدایت دیگری. به تقصیر خویش است این نابالگی، وقتی که علت آن نه کمبود فهم، بلکه کمبود اراده و دلیری در به‌کار بستن آن باشد بدون هدایت دیگری. «دلیری باش در به‌کار گرفتن فهم خویش» این است شعار روشنگری.»^(۱)

اعتمادبه‌نفس پدیدآمده برای انسان غربی، به‌واسطه ارتقای بسیار سریع و عمیق توان بهره‌گیری بیشتر از طبیعت، به‌آرامی این اعتقاد را در او ایجاد می‌کند که برای برطرف کردن تمامی مشکلات کافی است تنها به‌خود اعتماد کند. لذا انسان در این مسیر هرروز خود را مستقل‌تر و دارای سلطه‌ای بیشتر و بیشتر بر هستی درک می‌کند. درک از انسان به‌مثابه موجودی خودبنیاد که قرار است هستی را آن‌گونه که می‌خواهد بنا به اراده خود آزادانه بیافریند، سبب می‌شود تا آزادی به‌مثابه ارزشی مجوری در میان ارزش‌های مختلف برای ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری اولویت یابد. در مسیر تحقق سلطه انسان زاده شده در تمدن غرب، اگر تکنولوژی مهم‌ترین ابزار تحقق سلطه بر طبیعت است، طب مدرن نیز یکی دیگر از قطعات گم‌شده این پازل را تدارک می‌بیند. طب مدرن، سلطه انسان بر انسان را محقق کرده و به این واسطه کمکی اساسی در تحقق سلطه مستقلانه انسان بر هستی می‌کند. براین اساس ما با تمدنی روبه‌رو هستیم که مبنای اساسی زایش، رویش، گسترش و همه‌گیری آن درک استقلال از انسان است؛ درک انسان به‌مثابه موجودی که مستقلاً بر تمام هستی و از جمله خود انسان سلطه دارد!

اما باید دید چنین نگاهی در ادبیات اسلامی و قرآنی چگونه تفسیر می‌شود. اندیشمند عالی‌مقام علامه طباطبایی در تفسیر شریف‌المیزان و در ذیل آیات هیوط در سوره اعراف، وقتی به تفسیر